**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و سی و نهم\_5آذر1399**

[کلام شیخ در خاتمه تنبیه دوم]

در پایان و آخر بحث مقام دوم، مرحوم شیخ رضوان الله تعالی علیه در تنبیه دوم مطالبی را بیان می فرماید که با تقریر بنده و تنظیم من از این قرار است:

1. اگر ما انفتاحی بشویم، طبیعتا ظنون خاصه به اندازه متنابهی در فقه خواهیم داشت، ظنونی خاصه ای که روایتی است خاص، در موارد گوناگون. و اگر هم روایت خاصی نبود، اصول لفظیه عمومات، اطلاقات، به ویژه در ابواب معاملات داریم، و اگر هم اصول لفظیه نبود، مرجع اصول عملیه است، این بنابر انفتاح مساله روشن است.
2. اگر انسدادی شدیم و قائل به کشف شدیم، یعنی گفتیم نتیجۀ مقدمات انسداد، این است که شارع مطلق ظنون را حجت قرار داده است؛ اینجا هم باز تکلیف ما روشن است، هم به روایات خاصه می توانیم عمل کنیم، هم به عموماتی مثل «اوفوا بالعقود» و «احل الله البیع»، و اگر هم دستمان کوتاه شد، به اصول عملیه، در هر مساله­ایی.
3. اگر ما انسدادی شدیم، و گفتیم نتیجۀ مقدمات انسداد، بنابر حکومت باز حکم عقل است، به حجیت مطلق ظنون، عملا با قائلین به کشف، تفاوتی پیدا نمی کند.
4. اگر قائل به انسداد شدیم، بنابر تقریر حکومت گفتیم چنان که شیخ فرمود نتیجۀ مقدمات انسداد، حکم عقل به حجیت مطلق ظنون نیست، عقل چنین حکمی نمی کند، نهایتاً، عقل می گوید، تا آنجا که ممکن است، نباید دست از احتیاط برداری، بله در مظنونات، اگر احتیاط بر خلاف ظن بود، احتیاط واجب نیست، نه این که ظنون به طور مطلق مرجع شود، نه عقل می گوید، آنجا که ظنی هست، و احتیاط هم چه بسا دچار عسر و حرجت کند، احتیاط لازم نیست و به ظنت عمل کن، عمل به ظنون به معنای حجیت ظن در این موارد نیست.

این آنچیزی است که شیخ اعظم رضوان الله تعالی علیه پیگیر این مطلب است که ما بنابر قول به حکومت نمی توانیم ظن مطلق را جایگزین علم و یقین کنیم، چنان که نمی توانیم جایگزین ظن خاص کنیم، نهایت همان عدم وجوب احتیاط در مظنونات است.

حال سوال: در چنین صورتی که اگر قائل به حکومت شدیم، و حجیت مطلق ظنون را نتوانستیم قبول کنیم، آیا به راحتی می توانیم مثلا به عموم «اوفوا بالعقود» رجوع کنیم در جایی که شهرتی یا اجماع منقولی، ظنی دال بر فساد عقد است؟ آیا می توانیم به این عموم مراجعه کنیم؟

نه؛ چون انسدادی می گوید این ظواهر مثل اوفوا بالعقود علم اجمالی داریم بمخالفة ظواهرها فی کثیر من الموارد، مواردی از تحت «اوفوا» خارج شده است. و این عمومات را مجمل کرده است و چیزی نمی تواند اجمال این عمومات را از بین ببرد تا بتوانیم استدلال کنیم به این عمومات در موارد شک.

فرض این است که ظن مرجع نشد، اگر می گفتیم بنابر قول به حکومت هم ظن مرجعیت پیدا می کند بله. اما در چنین جایی که ظن ما می گوییم مرجع نیست و ظن به مخالفت ظواهر با واقع داریم و علم اجمالی داریم به مخالفت بسیاری از ظواهر با واقعیت نمی توایم به این مطلقات تمسک کنیم.

خب چه باید بکنیم؟ اگر مسرید به این که حکومت را برگزینید، باید اصل را بگذارید بر احتیاط و فقط از احتیاط در مواردی خارج شوید که ظن اطمئنانی به خلاف آن دارید، یا راهی را بر گزینید که ان راه ظنی باشد، طبق آن بحث قبل که گفتیم ظن به حکم با ظن به طریق فرقی ندارد، و لو ظن به حکم پیدا نکرده­ایی حداقل ظن به طریق پیدا کن. تا ظن به حکم یا ظن به طریق پیدا نکرده­ایی همان احتیاط مرجع است. به عبارت دیگر تا وقتی اطمینان به خلاف احتیاط پیدا نکرده­ایی مرجع همان احتیاط است.

بله من یک راه حل دیگری را برایت پیشنهاد می­کنم و ان این که بروی مدارک حجیت خبر ثقه را نگاه کنی ببین می­توانی یک روایت پیدا کنی که تمام روات این روایت، با دو نفر تزکیه شده باشند، و آن روایت دلالت کند بر حجیت خبر واحد عدل، آن وقت با تمسک به آن روایتی همه رواتش مزکی به تزکیه عدلین هستند و می­گوید خبر واحد عادل حجت است، می­توانیم هم با تقریر حکومت جلو برویم هم با تقریر کشف. چون بالاخره کار خودت را مستند کردی به یک روایتی که مزکی به تزکیه عدلین است و ان روایت دلالت دارد بر حجیت خبر ثقه. برو ببین چنین چیزی را پیدا می­کنی یا نه.

این بحث در مقام دوم تمام.

اما آن­چه که سوال باقی است این که بنابر مسلکی ما اختیار کردیم مسلک اضطرار، در این زمینه چه باید گفت ان شاء الله تعالی جلسه آینده.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.